

تبیین مفهوم هوش معنوی در فعل «یهدی» مستخرج از آیات قرآن و نقش مولفه‌های آن در تربیت معنوی

چکیده

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی جهت هدایت بشر است. انسان برای رشد معنوی همواره در حال تلاش است و برای تربیت معنوی می‌توان از آیات قرآن بهره گرفت. در بین آیات واژه «یهدی» یکی از واژگان هم معنای تربیت می‌باشد. با ۵۳ مرتبه تکرار در آیات، بیشترین فراوانی را در مشتقات «هدی» به خود اختصاص داده است. امروزه توجه به امور معنوی با توجه به وارد شدن در عرصه تکنولوژی و دیدگاه ماده گرایانه تقلیل یافته است. از این رو ضرورت توجه به هوش معنوی جهت تربیت معنوی از اهمیت والایی برخوردار است. هدف این پژوهش تبیین مفهوم تربیت معنوی در قرآن با استخراج مشتقات «یهدی» در تربیت معنوی می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش، تمام آیات قرآن کریم و نمونه آماری آیات مربوط به واژه «یهدی» می‌باشد. در این پژوهش با مراجعه به تفاسیر و تدبر در آیات، ابتدا مفهوم هوش معنوی در آیات تبیین شده و سپس تمامی گزاره‌های تربیتی به طور هدفمند استخراج و نقش مولفه‌ها در تربیت معنوی مشخص شده است. نتایج پژوهش حاضر با تحلیل محتوای آیات و طبقه بندی موضوعی آن‌ها به طور همزمان و پیوسته به سنجش نقطه تمرکز و جهت گیری آیات حاکی از آن است که مفهوم هوش معنوی فعل «یهدی» به چهار رکن اصلی: ۱. مبانی تقویت اعتقاد معنوی؛ ۲. توانایی درک حقایق معنوی؛ ۳. معنادار کردن رفتارهای معنوی؛ ۵. موانع ترفیع ظرفیت معنوی جهت تربیت معنوی تبیین شده است. در جهت گیری فعل «یهدی» امور سلبی با دلایل متقن و منطقی در جهت تربیت معنوی ذکر شده است. در بخش نقطه تمرکز نیز سه روش (انذاری، تبشیری و فعلی) بالاترین میزان فراوانی در آیات را جهت تربیت معنوی به خود اختصاص داده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۹
از صفحه ۱ تا صفحه ۲۳

سیده راضیه پورمحمدی

دانشجوی دکتر، رشته‌ی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک.
raz_sae@yahoo.com

سهراب مروتی

استاد پیوسته‌ی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام و استاد وابسته‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده‌ی مسئول).
sohrab_morovati@yahoo.com

کیوان احسانی

استادیار، عضو هیات گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک.
ehsani@araku.ac.ir

واژگان کلیدی:

تربیت معنوی، هوش معنوی، یهدی، تحلیل محتوا.

موضوع معنویت بخصوص هوش معنوی از جهات مختلف در عصر حاضر اهمیت و ضرورتش احساس می‌شود. چرا که در عرصه انسان‌شناسی از دیرباز تا کنون بعد معنوی همواره مورد توجه علماء و اندیشمندان قرار گرفته است. امروزه نیز با توجه همه جانبه مردم به پیشرفت تکنولوژی و دنیاگرایی، احساس خلاء در عدم توجه به مساله هوش معنوی وجود دارد. بنابر این در کشورهای مسلمان و پیشرفته مراکز مخصوصی را به معنویت درمانی اختصاص داده‌اند.

از اهداف تربیت و تعلیم اسلامی، ساختن انسان، جامعه و تمدن کمال‌گرا و همواره پویا است. کمال مطلوب انسان نیز در بارور شدن نیروی عقلانی (علم آموزی) و رشد گرایش‌های معنوی او (تربیت) میسر است. اولین مربی انسان خداوند و سپس پیامبران او می‌باشند. پیامبران در تربیت معنوی مردمان و اصلاح سازمان جامعه خود نقش آفرینی کرده و با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم غلط مبارزه کردند و سنت‌های نیکویی را با دین الهی بنیانگذاری کردند.

در قرآن آمده است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره/۱۲۹) و در جای دیگر می‌گوید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲).

هر دو آیه بیانگر این هستند که باید تعلیم و تربیت و الگودهی از اهداف پیامبران الهی بوده است. معلمان نیز باید به هر دو جنبه‌ی تعلیم و تربیت توجه کنند و به سخنان خود عمل کنند چرا که معلمان الگوی دانش‌آموزان خود هستند. در واقع قرآن، کتابی است پند دهنده و یادآورنده که بیش‌تر هدف‌های تربیتی، معنوی و اخلاقی را برای اصلاح رفتار و پیوستگی‌های اجتماعی و پیوند مبدأ و معاد، مطرح کرده است.

مک شیری معنویت را به عنوان يك ميل توصيف می‌کند که برخی از معانی و اهداف را در زندگی ما مشخص می‌سازد و يك وجود است که ما را در تولید انگیزه‌ها و اهداف یاری می‌رساند و منجر به احساس کمال در ما می‌شود. (Kelly, 2004, p. 162) میلر نیز معنویت را شکلی از آگاهی می‌داند، آگاهی تعالی دهنده‌ای که به گونه بالقوه در بشر وجود دارد و کار کردی مثبت است که فرد را قادر می‌سازد تا بتواند در محیط خود را حفظ کند. (Miller ۲۲۹، ۱۹۹۳) در تعریف دیگر چنین آمده است: معنویت صرفاً دانشی از حقایق و یا تسلط بر موضوعی ویژه یا مهارت یافتن در برخی از روش‌های درون فردی نیست بلکه معنویت شامل یک سفر است، اما در این سفر همانند یک راهنمای کوهنوردی که نیاز به یک سری داده‌های نظری دارد، راهنمای سفر معنوی نیز نیاز دارد که دست کم در برخی از امور تا حدی مسیر معنوی را پیموده باشد. (Sinetar, 2000, pp. 34-36)

تروسدال با ذکر دو معنای مبنایی برای معنویت بر این باور است که معنویت یکی خدا محوری و دیگری راه طبیعی ارتباط با جهان می‌باشد. ایشان می‌گویند: معنویت از پاسخی به پرسش‌های درونی مانند: من کی هستم؟ آیا یک نیروی مافوق در من وجود دارد؟ اگر هست شبیه به چه چیزی است؟ رابطه من با دیگران و مخلوقات چگونه باید باشد؟ و غیره شکل می‌گیرد و هیل با نگاهی طبیعی به معنویت، آن را وجودی نشأت گرفته می‌داند که از ویژگی‌های فیزیکی

و مادی فراتر می‌رود؛ مانند تفکر، احساس و اراده. به بیان دیگر، ناشی از وجودی است که ظرفیت فراتر رفتی از خود را دارد. (Trousdale, N. 2, PP. 177-188)

به نظر می‌رسد از تعاریف مذکور، تعریف تروسدال را جامع دانست چرا که این تعریف دو جنبه مادی و معنوی را در خود گنجانده است و به فرض منکران «روح» می‌توان معنویت را در قالب ویژگی‌های فرامادی گنجانده و این تعریف از حالت خاص بودن در آمده و تعبیری عام‌تر از معنویت دارد. گرچه شولتز تعریف معنویت را با اصطلاحات مادی ناممکن می‌داند و معتقد است که خاستگاه معنویت، عالم مادی نیست گرچه می‌تواند از عالم مادی متأثر شود و تظاهرات مادی داشته باشد. (شولتز، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸)

برای هوش معنوی تعاریف و ویژگی‌های مختلفی بیان شده است، اما به طور کلی هوش معنوی در بردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و ... را شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (عبداللله زاده، ۱۳۸۸، ص ۷۶). در پژوهش حاضر مراد از هوش معنوی این است که: هوش معنوی قادر است که هشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند یا افزایش دهد (سیسک و تورنس، ۲۰۰۱، ص ۶۵). علت تبیین هوش معنوی در فعل «یهدی» از این باب است که این مفهوم ارتباط نزدیکی با هدایت و تربیت دارد؛ از این رو فعل «یهدی» ابزار هدایت را با توجه به ظرفیت انسان مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از شناخت موارد سلبی و ایجابی در فعل «یهدی» جهت رشد و تربیت معنوی، می‌توان برای تسهیل درک وجود مقدس گام برداشت و تعریف هوش معنوی از این فعل را استخراج کرد.

درواقع هوش معنوی باعث تقویت برخی ویژگی‌ها در انسان می‌شود که همین عوامل نشاندهنده برخورداری فرد از هوش معنوی است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آیات قرآن و به روش تحلیل محتوا، برآن است که مفهوم هوش معنوی را از فعل «یهدی» استخراج کند و سپس دریابد که مولفه‌های این فعل در تربیت معنوی چه نقشی دارد؟

۱. سوالات تحقیق

- ۱-۱. هوش معنوی بر اساس گزاره‌های تربیتی مستخرج از فعل «یهدی» آیات قرآن چه مفهومی دارد؟
- ۱-۲. سنجش فراوانی جهت‌گیری فعل «یهدی» در آیات قرآن چگونه است؟
- ۱-۳. سنجش فراوانی نقطه تمرکز فعل «یهدی» در آیات قرآن چگونه است؟
- ۱-۴. نقش تربیتی هوش معنوی فعل «یهدی» در آیات قرآن جهت تربیت معنوی چیست؟

۲. روش پژوهش:

پژوهش حاضر برای دستیابی به هدف از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده است. روش تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های مناسب در تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها است. تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل متن است. جامعه آماری

این پژوهش تمام آیات قرآن با نمونه آماری فعل «یهدی» می‌باشد.

۳. پیشینه پژوهش

هوش به عنوان یک توانایی شناختی در اوایل قرن بیستم توسط آلفرد بینه^۱ مطرح شد. او همچنین آزمونی را برای اندازه گیری میزان بهره هوش افراد ابداع کرد. بعدها لوئیس ترمن و دیوید وکسلر^۲ آزمون های جدیدتری را ساختند، اما در دو دهه اخیر مفهوم هوش به حوزه های دیگری مانند هوش هیجانی^۳، هوش طبیعی^۴، هوش وجودی و هوش معنوی گسترش یافته است (رجایی، ۱۳۸۹، ص ۲۲-۴۹). دیدگاهی که هوش چندین توانایی مختلف را در بر دارد، به وسیله پیشرفتهای اخیر در عصب شناسی و روانشناسی شناختی حمایت شده است. نظریه های مختلفی در مورد ابعاد و یا انواع هوش وجود دارد. گاردنر (۱۹۸۳) نظریه هوش های هشت گانه را عنوان می کند که عبارت اند از: هوش زبانی کلامی، منطقی-ریاضی- موسیقایی- موزون، دیداری- فضایی، بدنی- جنبشی، درون فردی (شخصی)، هوش بین فردی و هوش طبیعت گرا گاردنر (۲۰۰۲، به نقل از سهرابی، ۱۳۸۸، ص ۳۳) بعدها مقوله های هوش طبیعت گرا، یعنی هوش معنوی و هوش هستی گرا یا هوش وجودی را مطرح کرد که می توان از آن به عنوان نمایش یک جنبه از هوش معنوی یاد کرد.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ گروهی از پژوهشگران در دانشگاه پیردین^۵ تحت سرپرستی پرفسور الکینز^۶، معنویت را از دیدگاه انسان گرایانه و پدیدارشناختی، بررسی کردند. آنها مفاهیمی را که از معنویت می شناسند، گرد آوردند و در نهایت تعریف زیر را ارائه دادند: معنویت^۷ که ریشه در واژه لاتین اسپیریتوس^۸ به معنای «نفس حیات» دارد، یک شیوه بودن و تجربه زندگی است. این شیوه حاصل آگاهی از بعدی فراتر است و با ارزش های قابل تشخیص به ویژه در رابطه با خود، دیگران، طبیعت، زندگی و هر چیز دیگر که غایی دانسته شود، مشخص می گردد. (خدایاری فرد، ۱۳۸۱، ص ۱-۱۸).

مفهوم تربیت معنوی، بیشتر از سوی کسانی که برای مسائل روحی، ارزشی و اخلاقی در تعلیم و تربیت دانش آموزان اهمیت قائل اند، مورد بررسی قرار گرفته است. روشن ساختن مفهوم تربیت معنوی، یکی از موضوعات چالش برانگیز کنونی در حوزه تعلیم و تربیت است. به همین دلیل هنوز جایگاه مشخص و ثابتی در کنار سایر ابعاد تربیت نیافته است. مفهوم تربیت معنوی به معانی مختلف به کار برده شده است. هند^۸ این دیدگاه را قابل تقسیم به ۴ طبقه میداند: ۱- تربیت بر اساس اصول معنوی ۲- تربیت روح انسان ۳- تربیت در فعالیتی معنوی ۴- تربیت در گرایش معنوی (هند، ۲۰۰۳، ص ۱۳۲).

- 1- Alfred Bine
- 2- David & Wechsler
- 3- Emotional Intelligence
- 4- Natural Intelligence
- 5- Pepperadine
- 6- Alkins
- 7- spirituality
- 8- hand

امروزه نیز برخی مقالات در خصوص هوش معنوی و تربیت معنوی نگاشته شده است از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)، ترجمه و تألیف حسن عبدالله‌زاده، معصومه باقرپور، سمانه بوژمهرانی، محدثه لطفی، تهران، نشر روانسنجی، چاپ اول، ۱۳۵۵ش

۲. هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن، تألیف فرامرز سهرابی و اسماعیل ناصری، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۹۱ش.

۳. «مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام»، تألیف حبیب محمد نژاد، صدیقه بحیرایی، فائزه حیدری، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۵۵ش.

۴. مفهوم، روش، اصول تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبائی، اشعری، زهرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۵ش.

۵. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، اعرافی، علیرضا. تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶ش.

۶. نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت، احمد پناهی، علی، فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره ۲، ۱۳۸۸ش.

با توجه به منابع و پیشینه مذکور، می‌توان دریافت که هرکدام از منابع به یک جنبه از بحث حاضر اشاره دارد و این پژوهش بر آن است که به تبیین مفهوم هوش معنوی در فعل «یهدی» مستخرج از آیات قرآن و نقش مولفه‌های آن در تربیت معنوی بپردازد. این موضوع در هیچ کتاب و مقاله‌ای به صورت کلی کار نشده است و در کتب و مقالات، فقط اشاراتی به اصل موضوع دارند.

بررسی هوش معنوی در فعل «یهدی»

قرآن کریم که کتاب هدایت است، همواره به «تربیت» همانند دیگر موضوعات فردی و اجتماعی بشر توجه دارد و در آیاتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بیان کرده است. واژه‌های مترادف تربیت که به ظاهر بار معنایی یکسانی دارند، اما در موارد متفاوتی با معانی دیگری به کار رفته است که با تدبر در آیات این ظرافت گفتاری در قرآن آشکار می‌شود.

واژه «هدی» و مشتقات آن در قرآن کریم ۲۰۷ بار به کار رفته است که ۵۳ مرتبه آن به کلمه «یهدی» اختصاص یافته است. جرجانی معتقد است که «هدایت» راهنمایی کردن بر خیر است که انسان رتبه مطلوب برساند. گاهی نیز در معنای پیمودن راه به مطلوب به کار می‌رود (جرجانی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۱).

هدی به معنای هدایت الهی (بقره/ ۱۲۰)؛ ایمان (مریم/ ۷۶)؛ ارشاد و راهنمایی کردن (قصص/ ۲۲)؛ بازگشت به سوی حق (اعراف/ ۱۵۶)؛ راه و روش (زخرف/ ۲۲)؛ دعوت (رعد/ ۷)؛ پایداری (فاتحه/ ۴)؛ بیان (بقره/ ۵)؛ دین (آل عمران/ ۷۳)؛ رسولان و کتاب‌های آسمانی (بقره/ ۳۸)؛ قرآن (نجم/ ۲۳)؛ تورات (غافر/ ۵۳)؛ دلیل (بقره/ ۱۵۸)؛ توحید (قصص/ ۵۷)؛ سنت (انعام/ ۹۰)؛ اصح (یوسف/ ۵۲)؛ الهام (طه/ ۵۰) (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۴۱) در قرآن کریم به کار رفته است.

جدول شماره ۱: تریب معنوی قرآن با توجه به مشتقات «هدایت»			
مشتقات	تعداد دفعات	فراوانی	فراوانی نسبی /۰
المهتدون، المهتدی، هدنا، اهدیت، اهدیتم، اهدک، اهدکم، اهدیک، اهدیکم، باهدی، بهاد، بهادی، بهدیتکم، بهدایه، تهتدی، هادی، هادیا، یسهدیهم، فاهدوهم، فیهدهم، هده، هدها، فهیدیناهم، لتهتدوا، للهدی، هدیتنا، لنهدی، لهدیناکم، لنهدینهم، هدیناهم، هدیناهما، یهد، یهدوننا، یهدینی، یهدیک.	۱	۳۶	۰/۱۸
المهتد، مهتدیتن، هدنا، تهتدوا، هدانی، مهتدون، هدای، هدیناه، لیهدیههم، یهدین.	۲	۲۰	۰/۹
مهتدین، سیهدین، فهدا، هدینا، یهدتی، یهدیکم، یهدیه	۳	۲۱	۰/۱۰
اهتدوا، هداکم، هدانا، هدهام، یهدون	۴	۲۰	۰/۹
مهتدون، هاد، یهدیههم	۵	۱۵	۰/۸
اهدی، تهدون، تهتدون	۶	۱۸	۰/۹
اهتدی، بالهدی	۷	۱۴	۰/۷
یهتدون	۱۰	۱۰	۰/۵
یهدی	۵۳	۵۳	۰/۲۵
فراوانی و فراوانی نسبی گونه‌ها	۹۱	۲۰۷	۱۰۰

تعداد آیات گزارش شده در جدول شماره ۱ مجموعاً ۲۰۷ آیه می‌باشد که مشتقات قرآن را با تعداد دفعاتی که به کار برده شده است ترسیم می‌کند. در ستون مشتقات چنانچه قابل مشاهده است، واژگان مربوط به «هدی» در ۹ گروه با توجه به تعداد دفعات تکرار شده در آیات قرآن نگاشته شده است و در این تقسیم‌بندی هر کدام از کلماتی که به یک اندازه در قرآن آمده‌اند در یک گروه قرار دارند. در ستون تعداد دفعات نیز مشخص کرده است که هر گروه از این مشتقات چند بار در آیات به کار رفته‌اند. در ستون فراوانی، گروه اول مشتقات ۳۶ عدد مجموعاً هرکدام از واژگان یک بار در آیات ذکر شده‌اند و گروه دوم نیز ۱۰ واژه مجموعاً هرکدام دوبار و گروه سوم هفت واژه مجموعاً ۲۱ بار آمده است و الی آخر هر گروه به این ترتیب بیان شده است. در ستون فراوانی نسبی ابتدا تعداد فراوانی در هر گروه را بر مجموع کل فراوانی تقسیم کرده و درصد هر گروه به نمایش گذاشته شده است.

گروه اول مشتقات ۱۸ درصد از فراوانی را به خود اختصاص داده است، یعنی کلماتی که از واژه «هدی» یکبار در قرآن آمده‌اند ۳۶ کلمه با فراوانی نسبی ۱۸ درصد می‌باشد و به ترتیب هرکدام از گروه‌های دیگر نیز به این شرح می‌باشد.

چنانچه در جدول نمایان است، مشخص می‌گردد که واژه «یهدی» بیشترین فراوانی و تکرار را در قرآن دارد، این واژه ۵۳ مرتبه با فراوانی نسبی ۲۵ درصد از مجموع ۲۰۷ مرتبه تکرار مشتقات «هدی»

را به خود اختصاص داده است. از این رو اهمیت این واژه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است و به بررسی شبکه معنایی تربیت معنوی در «یهدی» به صورت خاص پرداخته است و از ذکر دیگر آیات بخاطر عدم گنجایش در این نوشتار صرف نظر شده است.

«یهدی» فعلی است مضارع به معنای هدایت می‌کند. از مجموع ۵۳ مرتبه‌ای که «یهدی» به کار رفته است، ۵۱ مرتبه آن فاعل این فعل خداوند سبحان است و یک مرتبه قرآن کریم و یک مرتبه دیگر نیز انجیل می‌باشد.

جدول شماره ۲					
ردیف	آیه	گزاره تربیتی	جهت‌گیری	نقطه تمرکز	نقش تربیتی
۱	يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (بقره/۲۶)	تمثیل مناسب	انگیزشی	تمثیلی	الزامات
۲	قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره/۱۴۴)	بهاذه جویی نشانه سبک سری	سلبی	فعلی	مانع
۳	وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره/۲۱۳)	حسادت و ستمکاری موجب اختلاف	سلبی	فعلی	مانع
۴	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (بقره/۲۵۸)	جدل و گفتگوی بی‌منطق	سلبی	قولی	مانع
۵	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (بقره/۲۶۴)	بخشش ریاکارانه	سلبی	انذاری	مانع
۶	لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنِ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (بقره/۲۷۲)	بخشش در راه خدا	انگیزشی	تبشیری	الزامات
۷	كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ (الْعمران/۸۶)	عدم پایداری در ایمان و عمل	سلبی	فعلی	مانع
۸	يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ (مائده/۱۶)	پیروی از قرآن، موجب رضایت الهی	انگیزشی	تبشیری	مقدمات
۹	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مائده/۵۱)	پذیرش ولایت کافران	سلبی	انذاری	مانع
۱۰	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده/۶۷)	انکار ولایت مومنان کفر است	سلبی	انذاری	مانع
۱۱	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (مائده/۱۰۸)	شهادت ناحق موجب فسق است	سلبی	انذاری	مانع
۱۲	ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (انعام/۸۷)	شرک عامل حبط اعمال	سلبی	انذاری	مانع
۱۳	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (انعام/۱۴۴)	نسبت ناروا به خدا	سلبی	انذاری	مانع
۱۴	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (توبه/۱۹)	تشویق به جهاد در راه خدا	انگیزشی	تبشیری	الزامات

جدول شماره ۲

ردیف	آیه	گزاره تربیتی	جهت‌گیری	نقطه تمرکز	نقش تربیتی
۱۵	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه/۲۴)	خودگذشتگی عامل رسیدن به هدف	انگیزشی	تبشیری	الزامات
۱۶	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (توبه/۳۷)	پیروی از سنت‌های غلط	سلبی	فعلی	مانع
۱۷	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه/۸۰)	کفر مانع آموزش	سلبی	انذاری	مانع
۱۸	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (توبه/۱۰۹)	به کارگیری روش قیاس	انگیزشی	قیاسی	الزامات
۱۹	وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (يونس/۲۵)	دعوت به صلح	ایجابی	قولی	الزامات
۲۰	قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ	پیروی از خدا و عدم هدایتگری معبودان دروغین	ایجابی	فعلی	الزامات
۲۱	وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (يوسف/۵۲)	به نتیجه نرسیدن نیرنگ خیانتکاران	سلبی	فعلی	مانع
۲۲	إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ (رعد/۲۷)	بهانه جویی عامل کفر	سلبی	فعلی	مانع
۲۳	فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (ابراهیم/۴)	مبارزه با فرهنگ خرافی	ایجابی	اسوه‌سازی	الزامات
۲۴	فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يَضِلُّ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (نحل/۳۷)	دلسوزی بیش از حد برای گمراهان	سلبی	فعلی	مانع
۲۵	يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (نحل/۹۳)	وحدت اجباری	سلبی	فعلی	مانع
۲۶	أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (نحل/۱۰۷)	دنیاجویی عامل کفر	سلبی	انذاری	مانع
۲۷	إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء/۹)	قرآن پایدارترین شیوه هدایت	ایجابی	تبشیری	اصول
۲۸	أَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ (حج/۱۶)	قرآن راهنمای زندگی	ایجابی	تبشیری	اصول
۲۹	وَ لَوْ لَمْ نَمْسَسْهُ نَارًا نُورًا عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ (نور/۳۵)	هدایت الهی نور است	ایجابی	تبشیری	اصول
۳۰	اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نور/۴۶)	آیات قرآن روشن و روشنگر است	ایجابی	تبشیری	اصول
۳۱	اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (قصص/۵۶)	قانون هدایت بر اساس خواست خدا و آگاهی او از شایستگی افراد	ایجابی	بازتاب اعمال	اصول

جدول شماره ۲					
ردیف	آیه	گزاره تربیتی	جهت‌گیری	نقطه تمرکز	نقش تربیتی
۳۲	فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (روم/۲۹)	هواپرستی ناآگاهانه مانع هدایت	سلبی	انذاری	موانع
۳۳	وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (احزاب/۴)	مبارزه با فرهنگ خرافی و جاهلی	ایجابی	سنت شکنی	الزامات
۳۴	هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (سبا/۶)	آگاهی از حقایق و هدایتگری قرآن	ایجابی	اعطای بینش	مقدمات
۳۵	فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (فاطر/۸)	زیبا انگاری بدکاران موجب انحراف	سلبی	انذاری	مانع
۳۶	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (زمر/۳۰)	دروغ‌گویی و ناسپاسی مانع هدایت	سلبی	انذاری	مانع
۳۷	اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (زمر/۲۳)	قرآن بهترین گفتار برای هدایت	ایجابی	تبشیری	اصول
۳۸	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (غافر/۲۸)	اسرافکاری و دروغ‌گویی مانع هدایت	سلبی	انذاری	مانع
۳۹	اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شوری/۱۳)	وحدت واقعی در سایه دین الهی	ایجابی	تبشیری	اصول
۴۰	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (احقاف/۱۰)	لجاجت و انکار قرآن	سلبی	انذاری	مانع
۴۱	مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ (احقاف/۳۰)	اعتدال در راه حق	ایجابی	تبشیری	الزامات
۴۲	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (صف/۵)	آزار رهبان الهی، عامل انحراف از حق	سلبی	انذاری	مانع
۴۳	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (صف/۷)	دروغ‌پردازی و ناسپاسی مانع هدایت	سلبی	انذاری	مانع
۴۴	وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (جمعه/۵)	تمثیل مناسب	انگیزشی	تمثیل	الزامات
۴۵	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (منافقون/۶)	تکبر و استکبار مانع هدایت الهی	سلبی	انذاری	مانع
۴۶	يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ (جن/۲)	گوش دادن صوت قرآن عامل هدایت	انگیزشی	تبشیری	الزامات
۴۷	يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (مدثر/۳۱)	بیان وقایع عبرت آموز برای هدایت	ایجابی	انذاری	الزامات

پس از ترسیم و بیان جدول شماره ۱، جدول شماره ۲ نیز بدین شرح است:
در ستون «گزاره تربیتی» کل آیه مورد بررسی قرار گرفته است و با توجه به تفاسیر مختلف آیات،

گزاره تربیتی جهت تبیین مفهوم تربیت معنوی استخراج شده است. در ستون جهت‌گیری نیز برای سنجش فراوانی جهت‌گیری آیات، تعداد آیاتی که در جدول تحلیل محتوا در دسته‌های سه‌گانه نقطه تمرکز (انگیزشی، سلبی، و ایجابی) با توجه به گزاره برداشت شده و پیام آیه استخراج شده بود شمارش شده، و به صورت درصدی در جدول زیر بیان شده است. ستون نقطه تمرکز به بیان روش تربیتی پرداخته و در ستون نقش تربیتی نیز اصول، الزامات، موانع و مقدمات ذکر شده است.

جدول شماره ۳: سنجش فراوانی جهت‌گیری فعل «یهدی» در آیات قرآن		
جهت‌گیری آیات	تعداد گزاره‌ها	درصد
سلبی	۲۵	۰/۵۳
انگیزشی	۸	۰/۱۷
ایجابی	۱۴	۰/۳۰
مجموع	۴۷	۱۰۰

پس از ترسیم جدول شماره ۲ و استخراج گزاره‌های تربیتی و روش‌های تربیتی در هر آیه مطابق با تفاسیر، به بررسی جداول به صورت آماری و درصدی پرداخته و ابتدا ستون جهت‌گیری را ارزیابی کرده و سپس نقطه تمرکز آیات نیز با همین روش در جداولی طراحی شده است. سپس ستون گزاره‌های تربیتی و ستون نقش تربیتی را با یکدیگر تلفیق کرده و به چهار دسته (مقدمات، اصول، موانع و لزومات) تقسیم شده‌اند. جدول فراوانی جهت‌گیری فعل «یهدی» به شرح ذیل است.

چنانچه مشاهده می‌شود، میزان فراوانی در گزاره‌های امور سلبی ۵۳ درصد است و گویای این مطلب است که در جهت‌گیری فعل «یهدی» با رجوع به جدول شماره ۲، خداوند متعال در آیات مربوط به این بخش، بیش از آنکه به بیان امور ایجابی و انگیزشی بپردازد، امور سلبی را با دلایل متقن و منطقی در جهت تربیت معنوی ذکر کرده است. فراوانی این جنبه نشان می‌دهد که تربیت معنوی زمانی هدفمند عمل می‌کند که ابتدا امور سلبی را شناخته و با رعایت آنها در زندگی خود مسیر هدایت را پیماید.

از جمله امور سلبی که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است (بهانه جویی، حسادت، اختلاف، جدل و گفتگوی بی‌منطق، بخشش ریاکارانه، عدم پایداری در ایمان و عمل، پذیرش ولایت کافران و...) می‌باشد. انجام هرکدام از این عوامل هشدار از جانب خداوند متعال جهت نرسیدن به مقام معنوی است و در مواردی که مربی می‌خواهد تربیت معنوی موثری را به متربی آموزش دهد باید این گزاره‌ها را بشناسد و از انجام آن‌ها خودداری کند.

امور ایجابی در جدول شماره ۲ نیز پس از امور سلبی میزان اهمیتش نمایان است. در این امور بایسته‌هایی مطرح است که انجام دادنشان از ضروریات و الزامات تربیت معنوی است. برخلاف امور سلبی که نیابدهای تربیتی ذکر شده است، در امور ایجابی بایدهای تربیتی شامل (دعوت به صلح، پیروی از خدا و عدم هدایتگری معبودان دروغین، رهبری و هدایت با بیان عاطفی و روشن و...) می‌باشد. پس از بررسی امور ایجابی در جدول مذکور، امور انگیزشی مورد توجه قرار گرفته است و

به این معناست، اموری را که موجب تسهیل در تربیت معنوی است چنانچه به آن عمل شود گامی مهم در این راستا برداشته می‌شود. از این رو یک مربی می‌تواند با به کارگیری اعمالی چون (بخشش در راه خدا، پیروی از قرآن، جهاد در راه خدا، خودگذشتگی، تمثیل مناسب، گوش دادن و گوش دادن به آیات قرآن) هم خود را و هم متربی را ترغیب به انجام این اعمال کند تا تربیت معنوی معنادار و هدفمندی صورت گیرد.

جدول شماره ۴: سنجش فراوانی نقطه تمرکز فعل «بهدی» در آیات قرآن		
نقطه تمرکز	تعداد گزاره‌ها	درصد
انذاری	۱۷	۰/۳۶
تبشیری	۱۲	۰/۲۶
فعلی	۹	۰/۲۰
قولی	۲	۰/۴
تمثیلی	۲	۰/۴
قیاسی	۱	۰/۲
اسوه‌سازی	۱	۰/۲
بازتاب اعمال	۱	۰/۲
سنت شکنی	۱	۰/۲
اعطای بینش	۱	۰/۲
مجموع	۴۷	۱۰۰

جدول شماره ۴ که نقطه تمرکز آیات در پژوهش حاضر را مورد بررسی قرار داده است، دارای سه ستون با عناوین نقطه تمرکز، تعداد گزاره‌ها و درصد فراوانی می‌باشد. در ستون نقطه تمرکز روش‌های تربیتی در آیاتی که واژه «بهدی» به کار رفته است مطرح شده است و تعداد گزاره‌ها نیز میزان استفاده از آن روش در ۵۳ آیه می‌باشد. سپس در ستون درصد نیز تعداد گزاره‌ها را بر مجموع کل گزاره‌ها تقسیم کرده و درصد هر گزاره به دست آمده است. جدول شماره ۴ بدین شرح است:

چنانچه قابل مشاهده است، سه روش (انذاری، تبشیری و فعلی) بالاترین میزان فراوانی در آیات را به خود اختصاص داده است. دو روش (قولی و تمثیلی) نیز ۰/۴ می‌باشد و روش‌های (قیاسی، اسوه‌سازی، بازتاب اعمال، سنت شکنی، اعطای بینش) نیز در آیات مذکور ۱ مرتبه به میزان ۰/۲ فراوانی اعمال شده است.

بیشترین میزان فراوانی مربوط به روش انذاری بالغ بر ۰/۳۶ می‌باشد. این امر به خوبی نشان می‌دهد که مهمترین رکن هدایت، اجتناب از امور انذاری است. یعنی خداوند متعال هدایت خود را نصیب کسی خواهد کرد که به امور انذاری شناخت دارد و یک مربی نیز در تربیت متربی این جنبه را مورد توجه قرار می‌دهد. در فعل بهدی، تبشیر بعد از انذار با فراوانی ۰/۲۶ ذکر شده است. در این مرحله نیز مربی باید‌ها را شناخته و آن‌ها را انجام داده و به متربی نیز آموزش

می‌دهد. یکی دیگر از روش‌های تربیت معنوی در «بهدی» با ۰/۲۰ فراوانی مختص به روش فعلی است. در این روش نیز مربی باید آنچه را از انداز و تبشیر می‌داند به مقام عمل برساند و این مرحله سوم در نقطه تمرکز تربیت به شمار می‌آید.

روش‌های قولی و تمثیلی نیز با میزان ۰/۴ در ارتقای تربیت معنوی موثر است. از این رو با مراجعه با جدول شماره ۲ می‌توان دریافت که جدل و گفتگوی بی‌منطق آفت هدایت و تربیت مناسب است. از دیگر روش‌های تربیتی در این فعل می‌توان به روش قیاسی، اسوه‌سازی، بازتاب اعمال، سنت‌شکنی و اعطای بینش اشاره کرد. هرکدام به نوبه خود در تربیت معنوی آثار مطلوبی بر جای خواهند گذاشت.

۵. تبیین شبکه معنایی هوش معنوی

در جدول شماره ۲ آخرین ستون مربوط به نقش تربیتی می‌باشد، این ستون در مقابل هر آیه نقش تربیتی آن را با عناوین (اصول، مقدمات، الزامات و موانع) ذکر شده است. در فعل «بهدی» مبانی تقویت اعتقاد معنوی همان مبنای اولیه و اصل تبیین هوش معنوی و سپس مقدمات نیز با عنوان توانایی درک حقایق معنوی در جدول شبکه مفهومی، قابل مشاهده است. موانع و الزامات نیز با عناوینی همچون (موانع بالا رفتن ظرفیت معنوی و معنادار کردن رفتارهای معنوی)، پس از ذکر و بررسی مبانی و مقدمات هوش معنوی در پژوهش حاضر به شرح ذیل بیان می‌گردد:

۵-۱. مبانی تقویت اعتقاد معنوی

واژه «مبانی» از جمله واژگانی است که در پژوهش‌های زیادی به چشم می‌خورد. این واژه به معنای پایه و اساس هر علم به کار می‌رود. اولین رکن برای تبیین هر نظام، مبانی آن است. منظور از «مبانی» در تربیت معنوی این تحقیق نیز به شرح ذیل می‌باشد:

۵-۲. قرآن راهنمای هدایت

در آیات بسیاری از قرآن چنین آمده است که قرآن بهترین راهنما برای هدایت است. از جمله این آیات می‌توان به «وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۵۲)؛ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَأْتِيكَ ... وَأَنَّهُ لَهْدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (مل/۷۶ و ۷۷)؛ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲)؛ «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۸)؛ «لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» (نور/۴۶) و... اشاره کرد.

از این رو بهترین راهنما بری تربیت معنوی بر بهره‌مندی از قرآن است، زیرا هدایت مؤمنان به وسیله قرآن، بارزترین نمود لطف و رحمت الهی به شمار می‌آید و این کتاب هدایتگر انسان‌ها به خلل ناپذیرترین و استوارترین راه‌ها برای اهل تقوا و رسیدن به مراحل والای سعادت می‌باشد.

۵-۳. قرآن روشن و روشنگر

به وضوح در آیاتی از قرآن به روشنگر بودن آیات جهت هدایت بشر اشاره دارد. از جمله این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ» (آل عمران: ۱۳۸)؛ این (قرآن) روشنگری برای مردم است.

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)؛ و ما این کتاب را، که روشنگر هر چیزی

است، بر تو نازل کردیم.

واژه‌های «تِبْيَان» از ریشه «بین» به معنای کشف و وضوح می‌باشد. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۸۲-۲۰۸۳)؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۶۸-۶۹ / ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۶۷-۶۸) و اطلاق «تِبْيَان» و اوصاف یاد شده بر قرآن به این منظور است که این کتاب همه حقایقی را که لازم است بشر از آنها آگاه باشد و بدون آگاهی از آن‌ها نمی‌تواند راه سعادت را ببیند، روشن می‌کند. (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۳۹) از این رو اطلاق روشنگری به این معنا است که حاوی روش‌های درست و حقیقی اندیشیدن است. قرآن روح را تزکیه می‌کند و حجاب کبر و غرور را به یک سو می‌زند تا چهره حقیقت آشکار شود. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۸) در نتیجه مربی با آگاهی به اصل روشنگری آیات قرآن، آنچه را که در راه تربیت معنوی متربی مورد نیاز است از آیات استخراج کرده و راه سعادت برای هر دو هموار می‌شود.

۵-۴. قرآن پایدارترین شیوه هدایت

یکی دیگر از اصول تربیت معنوی، پایداری قرآن در هدایت است. جمله‌ی «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (سراء/۹) به وضوح گواه این مطلب است. یعنی این قرآن هدایت می‌کند بسوی دینی که اقوم از هر دین و مسلط‌تر بر اداره امور بشر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۶۲) از این رو در مسایل تربیتی نیز بهره‌مندی از دستورات این کتاب مقدس راهگشا خواهد بود.

۵-۵. قرآن بهترین گفتار

خداوند متعال برای هدایت بشر، قرآن را در آیه ۲۳ سوره مبارکه زمر بهترین گفتار معرفی کرده است و می‌فرماید: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» از این رو قرآن بهترین سخن است، به خاطر اینکه مشتمل بر محض حق است، حقی که باطل به آن رخنه نمی‌کند، نه در عصر نزولش، نه بعد از آن، و نیز به خاطر اینکه کلام مجید خداست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۸) در این خصوص نیز امام علی^(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِبِيْعُ الْقُلُوبِ، وَ اسْتَشْفَعُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ؛ قرآن را بیاموزید، که بهترین گفتار است؛ و در آن نیک بیندیشید که آن همانا بهار دل‌هاست. از نور آن شفا و بهبودی بخواهید که همانا در آن شفای سینه‌هاست» (الشریف الرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۰، ص ۲۱۱). در این روایت نیز یکی از اصول تربیت معنوی در بهره‌مندی از قرآن نیک اندیشیدن قرآن معرفی کرده است؛ چرا که این گفتار حق بر دل‌ها می‌نشیند و دل را برای هدایت و تربیت معنوی آماده می‌سازد.

۵-۶. قرآن عامل وحدت

قرآن کریم و آیات متعددی دال بر وحدانیت و انسجام اجتماعی دارد و در چهارده قرن قبل، از این حقیقت پرده برداشته است. پیروی از آیاتش را تنها عامل اساسی وحدت واقعی جامعه و انسجام اعضای آن را در واحدها و نهادهای مختلف می‌داند. (آقای، ۱۳۸۹، شماره ۳، ص ۷۱) چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) وحدت یعنی داشتن جبهه‌ی واحد و موضع‌گیری واحد در مقام عمل که این موضع‌گیری در قضایا و مسایل مشترکی مانند اجرای احکام، یا تحقق ملاک‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، یا

موضوع‌گیری واحد نسبت به تهاجم دشمن به امت اسلام و... است. (صالحی، ۱۳۸۰، شماره ۳۳، ص ۳) در نتیجه تمسک به ریسمان الهی که همان قرآن و پیروی از پیامبر (ص) است عامل وحدت می‌باشد.

۵-۷. نور بودن هدایت الهی

احکام و شرایع اموری هستند که انسان از آن‌ها نور می‌گیرد و در نور و تنور آن راه زندگی را می‌سپرد، قرآن کریم نیز همین اثر را برای دین مبین اسلام و احکام و شرایعش قائل است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۶۷) و می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَبْتَأًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» (انعام/۱۲۲) آیا کسی که [از نظر عقلی و روحی] مرده بود و ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم، و برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان مردم [به درستی و سلامت] حرکت کند...

۵-۸. قانون هدایت بر اساس شایستگی

انسان‌ها بر اساس استعدادهای درونی خود، از طرف خداوند عادل، شایستگی هدایت را دارند. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارًا» (انعام: ۱۲۴)؛ طبق این آیه خداوند متعال می‌داند چه افرادی لایق پذیرش ایمانند و می‌داند چه قلب‌هایی برای حق می‌طینند، همچنین او می‌داند در چه سرهایی، سودای عشق خدا است، از این رو افراد شایسته را خوب می‌شناسد و به آن‌ها توفیق می‌دهد و لطفش را رفیق راه آن‌ها می‌سازد تا به سوی ایمان رهنمون شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۱۶) در نتیجه هدایت بر اساس شایستگی از اصول تربیت معنوی است.

موارد مذکور ۸ اصل از اصول تقویت معنوی می‌باشد که مریبی با توجه به این اصول میزان توجه خود را به آخرین کتاب آسمانی بالا برده و طبق آموزه‌های این کتاب، به تربی آموزش می‌دهد.

۵-۹. معتدل بودن راه حق

آیه «فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكُمْ صِرَاطًا سَوِيًّا» (مریم/۴۳)، به تعادل و عدم انحراف از حق اشاره می‌کند. منظور از «صِرَاطًا سَوِيًّا» راه مستقیم و معتدلی است که از حق به سوی گمراهی مایل نباشد (طبرسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۶۳۹). روشن است که پیروی از راه حق موجب اعتدال روحی شده و در کلمه «سویاً» در عبارت فوق، به معنای برابری نیست، بلکه بیانگر تعادل روحی و توازن احوال و اوصاف انسانی است.

۶. توانایی درک حقایق معنوی

درک و آگاهی از حقایق، از مقدمات هر امر به شمار می‌رود، از این رو دومین رکن هر نظام بیان مقدماتی است که ابتداء باید مورد توجه فرد قرار گیرد. مقدمه چیزی است که برای شروع هر امری لازم و ضروری باشد (معین، ۱۳۷۵، ۱۷۲۵۶) پژوهش حاضر نیز پس از ذکر مبانی، به بیان مقدمات جهت تربیت معنوی به شرح ذیل پرداخته است:

۶-۱. آگاهی از حقیقت و هدایتگری قرآن

از جمله مقدماتی که در تربیت معنوی فعل «یهدی» در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است، آگاهی از حقیقت و هدایتگری قرآن می‌باشد. اندیشمندان بسیاری ضمن اعتراف به بداهت امکان شناخت، پیرامون آن به بحث و گفت و گو پرداخته‌اند. و سخن از امکان معرفت را سرآغاز بحث از «علم» و گفتمان معرفت شناختی خویش قرار داده‌اند. (سهروردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۲) و نشانه‌ی علم واقعی دریافتن حَقَانِیَّتِ قرآن و پذیرفتن آن است. بدون علم و معرفت، حَقِّ شناسی ممکن نیست و عالم حقیقی، آن چه را از سوی خدا نازل شده می‌پذیرد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۴۲۱) در آموزه‌های دینی، به ویژه آیات قرآن، درباره نظام هستی، خالق آن، نحوه آفرینش جهان، شیوه حفظ و مدیریت، هدفمندی و بالاخره پایان و سرانجام آن، بینش لازم، به انسان داده شده و کسب معرفت در این زمینه، مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. (رئیسیان، غلامرضا، حکم‌آبادی، حجت اله، ۱۳۹۷، ص ۴۷) از این رو آگاهی از حقیقت و هدایتگری قرآن، زمانی حاصل می‌شود که انسان ابتدا نسبت به خود معرفت پیدا کند و خود را نیازمند الطاف حق بداند چرا که خود آگاهی باعث می‌شود فرد در زندگی خود اهداف واقعی را دنبال نماید و از دنبال کردن اهداف غیرواقعی، تخیلی و کالگرایانه در امان بماند. (مروتی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰) در واقع این حس معنوی انسان را به اندیشیدن و آگاهی سوق می‌دهد که در زندگی معنوی نتیجه بخش و موثر است.

۶-۲. پیروی از خدا و قرآن

پیروی از قرآن و سنت الهی عامل رهایی از افکار و اندیشه‌های خرافی است. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا لِكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده/۱۰۳) در آیه مذکور پیروی از قرآن عامل هدایت معرفی شده است؛ چرا که برهان و دلیل روشنی برسالت رسول خدا و از جانب خدا بودن آن است و راه حق و باطل را آشکار می‌کند. (قرشی بناپی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۰۶) عقلانی بودن در موضوع اعتقاد به وجود خداوند متعال، به معنای عقل پذیری این اعتقاد است؛ از اینرو، اصل اعتقاد به وجود خداوند، نه عقلستیز است و نه عقلگریز، بلکه عقل دراینباره، باید حکم قطعی صادر کند. (موسوی، جواهری، ۱۳۹۷، ص ۹۷) در نتیجه پیروان اندیشه‌های خرافی از اندیشه صحیحی برخوردار نیستند و قرآن کریم در آیات بسیاری درست اندیشیدن از راه آفاقی و انفسی معرفی کرده است و در این صورت نیز شناخت یگانه خالق عالم میسور خواهد شد.

۷. معنادار کردن رفتارهای معنوی

از دیگر مفاهیم هوش معنوی در پژوهش حاضر، معنادار بودن رفتارهای معنوی می‌باشد. علوم انسانی تنها به رفتارها و کردارهای اختیاری انسان بسنده نمی‌کند، رفتارهای غیر اختیاری انسان هم‌چون: غرایز، خواب، ادراک، هوش و حافظه در روان‌شناسی؛ منابع تولید و مبنای ارزشی پولی در اقتصاد، و عواقب ناخواسته‌ی اجتماعی در جامعه‌شناسی را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد (خسروپناه، ۱۳۴۵، ص ۲۹۳). از دیدگاه ریچارد بریث ویت، فیلسوف علم و فیزیکدان معاصر انگلیسی (۱۹۹۰-۱۹۰۰)، تنها

راه معناداری گزاره‌های دینی، «تحویل» آنها به گزاره‌های اخلاقی است. (ساجدی، ۱۳۹۰، شماره ۳، ص ۲۵) از این رو رفتارهای معنوی زمانی هدفمند است که به گزاره‌های تربیتی و اخلاقی تبدیل شود. برخی از مولفه‌های این جنبه از هوش معنوی به شرح ذیل است:

۷-۱. بخشش در راه خدا

خداوند متعال در آیه ۱۴۹ سوره نساء می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا» در این آیه خداوند انسان را به گذشت از بدی‌ها توصیه می‌کند، بخشش به منزله یکی از صفات خداوند معرفی شده و عمل بخشش از جانب انسان‌ها، یعنی متصف شدن انسان به یکی از صفات خداوند محسوب شده است. امام علی نیز^(ع) در این خصوص می‌فرماید: «دست سخاوتمندی ندارد آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد! ... زیرا به دست آوردن صفات یاد شده، موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک فضائل سرای آخرت است إن شاء الله» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۴۲، ص ۲۶۱) از این رو یکی از عوامل شرافت و بزرگی در دنیا و سرای آخرت، بخشش در راه خدا یاد شده است. چرا که بخشش موجب پایین آمدن فشارهای روحی می‌شود. کینه‌جویی و عفو نکردن موجب عدم تعادل عاطفی و شناختی می‌شود، و بدی‌های مترقی را بزرگ کرده و خوبی‌هایش را منظور نمی‌کند. (غباری بناب، ۱۳۷۹، ص ۲۸۹) در نتیجه بخشش در راه خدا یکی از خصائص رفتاری انسان محسوب می‌شود که یک مربی می‌تواند با استمداد از آیات الهی این صفت را از مرحله فردی به مرحله اجتماعی سوق دهد.

۷-۲. تشویق به جهاد

خداوند متعال در آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (توبه/۱۱۱) مؤمنان را به جهاد ترغیب می‌کند. خریدن جان و مال مؤمنان مجاهد در ازای بهشت، خواه بکشند و خواه کشته شوند، این ترغیب و تشویق جهاد را می‌رساند. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۱۶) شهید مطهری، در بحث از عوامل اصلاح و تربیت، جهاد را مهم‌ترین عامل تربیتی دانسته و می‌فرماید: «جهاد هم خودش یک عاملی است که جان‌نشین نمی‌پذیرد. یعنی امکان ندارد که یک مؤمن مسلمان جهادرفته و یک مؤمن مسلمان جهادندیده از نظر روحیه یک جور باشند و کاری که از این عامل [تربیتی] ساخته است از عامل‌های دیگر ساخته نیست» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۹۹) در نتیجه اهمیت مساله جهاد در تربیت معنوی از جمله مواردی است که مورد توجه قرار گرفته است.

۷-۳. خود گذشتگی

اولویت‌بخشی به حقوق فردی، برحقوق اجتماعی و احیای روحیه از خودگذشتگی از مبانی اسلام است: خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/۹) در نتیجه انسان هرچند به چیزی نیازمند باشد، باز دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. در تاریخ بشر نیز صحنه‌های ایثار و از خودگذشتگی بسیاری وجود دارد و نقش سازنده از خود گذشتگی در جامعه اخلاقی بر کسی پوشیده نیست. امام علی^(ع) می‌فرماید: «عَامِلٌ سَائِرِ النَّاسِ بِالْإِنصَافِ وَ عَامِلِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِيثارِ» با همگنان داوری به حق کن و با همکیشان از حق خود بگذر. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۴) درواقع می‌توان روش برگرفته از متون اسلامی و سیره معصومان^(ع) که همان شیوه ایثار و از خودگذشتگی است را در زندگی خود جهت تربیت معنوی به کار برد. خواه

نصیرالدین طوسی نهادینه کردن روحیه ایثار و از خودگذشتگی در وجود انسان از اهداف مهم تربیت اسلامی بیان کرده است. (طوسی، بی‌تا، ص ۱۸۲) این مولفه نیز در معنا دار کردن رفتار جهت تحقق تربیت معنوی با شیوه از جان گذشتن و فداکاری برای دیگران موثر است.

۷-۴. دعوت به صلح

پیشوایان معصوم^(ع) در صدر اسلام، با وجود فضای تنش زا بیش از آن که مردم را به تدوین استراتژی جنگی دعوت کنند، بیشتر به اشاعه اندیشه صلح خواهی و تبیین راهکارهای عملی تحقق و ایجاد صلح در جامعه اسلامی اهتمام داشته‌اند. در آیه ۶۱ سوره انفال آمده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (و اگر به صلح و آشتی گراییدند - تمایل نشان دادند - تو نیز به آن بگرای و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست). دلالت آیه بر آن است که افراد در هنگام صلح، گرفتار تردید می‌شوند، با دستور به توکل بر خدا، این تردیدها را برطرف می‌سازد؛ چون او تکیه‌گاه مؤمنان است و گفتگوهای آنان را می‌شنود و از نیات آن‌ها باخبر است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۱۵) در نتیجه در دعوت دیگران به صلح باید توجه خود را به خدا معطوف کرده و از این طریق گامی به سوی تربیت معنوی برای متربی حاصل می‌شود.

۷-۵. هدایتگری با توجه به مخاطب

مهمترین مولفه تاثیر گذار در برقراری هرگونه ارتباط «مخاطب» است. در بحث آشنایی با سلیقه مخاطبین و نیز چگونگی تاثیر نهادن بر آنان، مهمترین مساله، دسته‌بندی مخاطبان است. با توجه به اینکه در تمام ارتباط‌های دینی، هدف متکلم تمرکز بر هدایت‌گری بدون منفعت است، این نوع ارتباط بهترین الگو برای شناخت مخاطب به شمار می‌رود. (فرضی شوب و همکاران، ۱۳۹۳، شماره ۱۶، ص ۸۰). از این رو برای تربیت معنوی ابتدا باید شناخت لازم را از مخاطب خود داشته باشد، زیرا مقدمه هر چیزی ابتدا شناخت آن است. معلمین راه رستگاری و سعادت بشر نیز به این مهم توجه ویژه داشته‌اند.

۷-۶. مبارزه با فرهنگ خرافی

باورهای خرافی کم و بیش در زندگی همه افراد وجود دارد و ریشه آن بر اساس روابط منطقی بنا نشده است. این باورها به عنوان مرهمی در جواب به ناامنی‌های افراد در زندگی رواج یافته و در واقع نوعی تلاش ناگزیر برای نفوذ به آینده است تا در مسیر وقایع و حوادث برای خوشایندسازی بر امور تأثیر بگذارد. (بصیری، فاخری، ۱۳۹۸، دوره ۵، ص ۱۰۱) خداوند متعال در سوره بقره، آیات ۱۷۰ و ۱۷۱ می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ...» در این آیات منشأ خرافه را در پی‌فکری و به کار بستن عقل می‌داند و انسان را بارها به همین خاطر سرزنش می‌کند و در رویارویی با بت پرستی که بزرگ‌ترین مظهر انحراف فکری و خرافه پرستی است. دشوارترین مبارزه انبیا امامان و مصلحان بزرگ تاریخ مبارزه با خرافه‌ها بوده است. مبارزه با فرهنگ شرك و بت‌پرستی و جایگزینی فرهنگ توحید و یگانه پرستی و به طور کلی مبارزه با آداب جاهلی در تمامی ابعاد زندگی و جایگزینی آداب صحیح اسلامی در سیره معصومین^(ع) مشاهده می‌شود. (عابدینی، ۱۳۷۵، شماره ۷، ص ۲). در نتیجه پیروی عدم تعقل و تقلید کورکورانه عامل پذیرش خرافات محسوب می‌شود. مربی نیز

برای تربیت دینی بهتر است جاذبه های دینی را تقویت و دین را بدون اوهام، خرافه و ترس به مرتبی معرفی کند تا از این طریق بتواند پاره‌ای از حقایق را در جامعه ترویج دهد.

۷-۷. بیان وقایع عبرت آموز

قرآن کریم نه فقط از داستان در راستای اهداف تربیتی استفاده می‌کند بلکه به طرز نیکو و کارآمد هم داستان‌پردازی می‌کند. عبارت «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» در سوره یوسف آیه ۳، هم به معنای بهترین داستان هم به معنای بهترین و کارآمدترین شیوه داستان‌پردازی است. از این رو یکی از روش‌های تربیتی رسولان، توجه دادن مردم به سرگذشت پیشینیان و یاد آوری عاقبت در قالب قصه است، چرا که طرح این مسئله موجب فهم بیشتر مخاطبان برای دریافت پیام است. قصه‌های قرآنی دارای اهداف زیادی هستند و خود یک مجموعه کامل از مجموعه‌های قرآن را تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان اهداف قرآن را در قصص نیز مشاهده نمود (عباسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶) قصص قرآنی با رعایت اصول قصه‌پردازی آنچه را که برای تربیت معنوی لازم است را به نمایش می‌گذارد. این روش برای مسایل تربیتی به مراتب تأثیرگذاری بیشتری دارد.

۷-۸. تمثیل مناسب

قرآن کریم در چندین آیه بر ضرورت بهره‌گیری از مثل و امثال برای تبیین مقاصد و معارف خود تأکید کرده است؛ چنان که می‌فرماید:

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» (اسراء/ ۸۹)
«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت/ ۴۳)
«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر/ ۲۱)
«وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهیم/ ۲۵)

ملاصدرا بر این باور است که هدف از تمثیل زیادی وضوح و آشکارسازی است یا آن که مقصود این است که عقل‌هایی که از درک حقایق هستی‌ها و جهان‌ها ناتوان است آن را دریابند. همچنین هدف از تمام مثل‌هایی که در قرآن و روایات نبوی وارد شده آگاه ساختن نفوسی است که از درک احوال جهان آخرت بیگانه است. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۵۶) در آیات مذکور، خداوند متعال تمثیل را یکی از روش‌های موثر تربیتی معرفی کرده است و هدف از ارائه تمثیل، هشدار علم و تفکر به شیوه تذکر است.

۷-۹. استفاده از روش قیاس

خداوند متعال با استفاده از روش قیاس مردم را به کارهای نیک دعوت و از کارهای زشت باز می‌دارد و آیاتی که در آن «هل یستوی» استفاده می‌شود گویای آن مطلب است. به طور مثال خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره مبارکه فاطر بیان می‌کند: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» برای تبیین علی، تشخیص و اثبات اینکه یک پدیده علت پدیده دیگر است، تنها می‌توان از روش مقایسه‌ای یا روش تطبیقی استفاده کرد. (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷). از این رو ارتباط میان مفاهیم در نقش‌پذیری و فهم کامل، سهم زیادی دارد. یکی از ابعاد بلاغت قرآن و معجزه بودن آن به همین نکته مربوط است. هرگاه ذهن آدمی موفق شود که میان چند مفهوم رابطه‌ای را کشف کند، از یک سو احساس نشاط و خلاقیت می‌کند و از سوی دیگر ذهن فرد از این ارتباط منطقی به مفهومی جدید منتقل می‌شود و از آنجا که خود آن را کشف کرده، بهتر پذیرفته

می-شود و ماندگاری و ثمر بخشی تربیتی بیشتری پیدا می‌کند. (میران حسینی، ۱۳۸۴، ص ۹) در آیات بسیاری این روش جهت تربیت معنوی به کار رفته است، مثلاً آیاتی با مضمون «هل یستوی» با روش مقایسه میزان درک مخاطب از موضوع را افزایش می‌دهد.

مواردی که بیان شد، عواملی برای معنادار کردن رفتارهای معنوی می‌باشند. این موارد از استخراج آیات مربوط به فعل «بهدی» است. در نمودار زیر نیز موانع ترفیع ظرفیت معنوی بالغ بر ۲۳ مورد ذکر شده است.



نمودار شماره ۵

نمودار شماره ۵ نیز به ۴ بخش اصلی تقسیم شده است و چنانکه قبلاً بیان شد، این نمودار توضیح ستون‌نهایی جدول شماره ۲ است. پس از بررسی موردی گزینه‌های سه ستون از شبکه مفهومی هوش معنوی، جهت جلوگیری از تطویل مطالب به صورت خلاصه نیز موانع ترفیع ظرفیت معنوی بیان می‌شود.

در این نمودار ۲۳ مانع تربیت معنوی از جدول شماره ۲ استخراج شده است. برای نمونه نقش بهانه‌جویی در جلوگیری از تربیت معنوی به شرح ذیل است:

قرآن کریم منشاء بهانه‌جویی را جهل می‌داند و می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا...؛ افراد جاهل و ناآگاه گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟!...»

آیه مذکور جهل را مانع پرورش و تربیت انسان متعالی معرفی می‌کند. چرا که افراد جاهل و نادان بهانه‌جو هستند. از این رو غبار جهل و تربیت غلط نه تنها مانع شکوفایی و رشد فطرت می‌شود، بلکه موجب می‌شود تا حجابی فطرت انسان را فرا گیرد که دیگر هیچ گونه تابشی در دل انسان نداشته باشد (ابوترابی، ۱۳۸۲، ص ۹). در واقع اگر مربی بخواهد تربیت موثری داشته باشد، باید مرتبی نیز خود را آماده دریافت آموزش کند و اگر با جهالت و بهانه‌جویی مانع پذیرش آموزش شود، در این حالت تعلیم نتیجه‌بخش نخواهد بود.

هر کدام از موارد ۲۳ گانه از جمله (حسادت، جدل و گفتگوی بی‌منطق، بخشش ریاکارانه، انکار ولایت مومنان، شهادت ناحق، دلسوزی بیش از حد، اسرافکاری و...) نیز به نحوی در آموزش و تربیت معنوی موثر هستند و برای نجات از این موانع، می‌توان با استمداد از روشهای نوین و دقیق علمی در صدد رفع موانع جهت ارتقاء رشد معنوی تلاش کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تبیین مفهوم هوش معنوی در آیات مربوط به فعل «یهدی» به منظور کشف و استخراج گزاره‌های تربیتی به روشی منسجم و دیدگاهی جامع، ابتدا مفاهیم معنوی را در قالب چهار شبکه (اصول، مقدمات، الزامات و موانع) دسته‌بندی و آن را جهت تسهیل یادگیری تربیت معنوی به شکل نمودار ترسیم کرده است. از جمله دستاورد پژوهش حاضر این است که واژه «یهدی» بیشترین فراوانی و تکرار را در قرآن دارد، این واژه ۵۳ مرتبه با فراوانی نسبی ۲۵ درصد از مجموع ۲۰۷ مرتبه تکرار مشتقات «هدی» را به خود اختصاص داده است. از این رو اهمیت این واژه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

در «نقطه تمرکز» فعل «یهدی» سه روش (انذاری، تبشیری و فعلی) بالاترین میزان فراوانی در آیات را به خود اختصاص داده است. این امر به خوبی نشان می‌دهد که مهمترین رکن هدایت، اجتناب از امور انذاری است. سپس تبشیر بعد از انذار ذکر شده است. در این مرحله نیز مربی باید‌ها را شناخته و آن‌ها را انجام داده و به مرتبی نیز آموزش می‌دهد. از دیگر روش‌های تربیتی در این فعل می‌توان به روش‌های قولی و تمثیلی روش قیاسی، اسوه‌سازی، بازتاب اعمال، سنت‌شکنی و اعطای بینش اشاره کرد. هر کدام به نوبه خود در تربیت معنوی آثار مطلوبی بر جای خواهند گذاشت.

میزان فراوانی در گزاره‌های امور سلبی ۵۳ درصد است و گویای این مطلب است که در جهت‌گیری فعل «یهدی» با رجوع به جدول شماره ۲، خداوند متعال در آیات مربوط به این بخش، بیش از آنکه به بیان امور ایجابی و انگیزشی بپردازد، امور سلبی را با دلایل متقن و منطقی در جهت تربیت معنوی ذکر کرده است. فراوانی این جنبه نشان می‌دهد که تربیت معنوی زمانی

هدفمند عمل می‌کند که ابتدا امور سلبی را شناخته و با رعایت آنها در زندگی خود مسیر هدایت را بییماید.

در بخش مبانی تقویت اعتقاد معنوی، آنچه که رکن اصلی هوش معنوی در فعل «یهدی» است را بیان می‌کند که اصالت قرآن از طریق (روشنگری، هدایت، نوربودن، اعتدال و...) در آیات آشکار شده است و این اصول پایه و اساس تربیت معنوی جهت تربیت معنوی معرفی شده است. مراد از توانایی درک حقایق معنوی نیز توجه به مقدمات و درک درست از هوش معنوی می‌باشد که آگاهی از حقانیت و پیروی از خدا و قرآن در شناخت اولیه هوش معنوی نقش دارند. معنادار کردن رفتارها نیز بیشتر جنبه عملی دارد و با رفتارهایی از قبیل (تشویق به جهاد، بخشش در راه خدا، دعوت به صلح، مبارزه با خرافات، به کارگیری روشهای قیاس و تمثیل و قصه و...) می‌توان به رشد تربیت معنوی کمک کرد. برای تحقق این امر باید موانع ترفیع رشد معنوی شناخته شود و برای دفع آنان تلاش کرد. برخی از این موانع عبارتند از: (بهانه جویی، حسادت، جدل و گفتگوی بی‌منطق، شرک، کفر و...) که هرکدام به نوبه خود، تربیت معنوی را متوقف می‌کند.

منابع

• قرآن کریم

- نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه دشتی، قم، بی‌نا، ۱۳۷۹ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
- ابوترابی، علی، ماهیت و ملاک های بهنجاری و نابهنجاری از نظر اسلام، معرفت ۱۳۸۲ شماره ۶۴.
- احمد عابدینی، بحثی درباره پاک بودن ذاتی انسان، نشریه فقه، شماره ۷ و ۸، ۱۳۷۵ ش.
- اشرفی، عباس، اهداف قصص قرآنی، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۳۸۰ ش.
- اصغری، حمید، اندیشه تقریب در چالش بارویکردهای سلفی و پلورالیستی، مجله پگاه حوزه، دیماه ۱۳۸۰، شماره ۳۳.
- آقایایی، محمدرضا، آموزه‌های قرآن کریم و نقد نظریه دورکیم مبانی نظریه دین و همبستگی اجتماعی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، صفحه ۴۳ - ۶۸.
- بصیری، حمیدرضا، فاخری، فاطمه، پیامها و آثار تربیتی باورهای خرافی در حیات انسانی با تأکید بر آموزه‌های اسلام (مطالعه موردی باور به بخت و شانس)، دوفصلنامه علمی- پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث دوره پنجم، شماره ۱، ۱۳۹۸ ش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، مرکز نشر اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- جرجانی، عبدالقاهر، التعریفات، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۵ ش.
- جوهری، اسماعیل، صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ش.
- خسروپناه، عبدالحسین، گستره شریعت، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ ش.
- دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- راغب اصفهانی، محمّد، مفردات الفاظ القرآن، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- رئیس‌سیان، غلامرضا، حکم آبادی، حجت اله، بررسی آثار تربیتی روش «اعطای بینش» در قرآن، دوفصلنامه علمی- پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث دوره سوم، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷ ش.
- ساجدی، ابوالفضل، مناسبات دین و اخلاق، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۲۳ - ۵۲.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به تصحیح هانری کربن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ سوم، ۱۳۸۰ ش.
- سیوطی، جل الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الإقتان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، دوم، ۱۴۲۱ ق.
- شولتز، دوآن، روان شناسی کمال (الگوی شخصیت کامل)، ترجمه گیتی خوشدل، چ چهارم، تهران، پیکان، ۱۳۸۶ ش.
- صدرالمتألهین، الاسفارا لریعه، ترجمه مصطفوی، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۶۸ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی، ۱۳۸۸ ش.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.

- غباری بناب، باقر، رفتار بخشایش‌گرانه در نهج البلاغه، تهران، تربیت اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- فرضی شوب و همکاران، «اصول مخاطب شناسی از دیدگاه امام علی^(ع) در نهج البلاغه»، سراج منیر، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۳ ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنایی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، دوم، ۱۳۷۵ ش.
- مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- مروتی، سهراب، فاطمه سیفعلی‌ئی، سید محمدرضا، حسینی‌نیا، خودآگاهی و کارکردهای تربیتی آن در بهبود روابط اجتماعی انسان در قرآن و حدیث، دوفصلنامه علمی- پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۸ ش.
- مرویان حسینی، محمد، اهداف تربیتی در قصه‌های قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره: ۱۱، شماره: ۴۱، ۱۳۸۴ ش.
- موسوی، سید ابوالقاسم، جواهری، محمدرضا، روش‌های ایجاد و تعمیق باور به وجود خداوند در تربیت اعتقادی بر اساس سیره‌ی امام رضا^(ع)، دوفصلنامه علمی- پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث دوره سوم، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
- مصباح، محمدتقی، قرآن شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، ۱۳۷۶ ش.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۸ ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ دهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
- Miller, J. (1993). Spiritual education. In C. L. Flake (Ed.), Holistic education: principles, perspectives and practices (A book of readings based on Education 2000: A holistic perspective) (pp. 228-233)
- Sinetar, M. (2000). Spiritual intelligence: What we can learn from the early awakening child. New York: Orbis.
- Trousdale, A. M. (2004). Black and white fire: The interplay of stories, imagination and children's spirituality. International Journal of Children's Spirituality, N. 2, PP. 177-188.

